4شنبه2اسفند 1403-20شعبان 1446-19فوریه 2025-درس 96 فقه رهبری سازمانی – شرائط و موانع تاثیر مقتضی رهبری – تسلیم و شک

مساله86: مدیران در مقام ادای فریضه رهبری سازمانی باید خود و پیروان را در فرآیند تسلیم و یقین نسبت به عقائد ،ارزش ها و قوانین مطابق با دین اسلام قرار دهند و شک و تردید در این امور را از نفس خود وکارکنان بزدایند .

‏ ***شرح مساله*** : معلوم شد که استسلام [[1]](#footnote-1)از شرائط تاثیر رهبری سازمانی و به معنای میل به همزیستی مسالمت آمیز با همکاران و اقران است اگرمدیر مجند و مجهز به آن باشد در جریان سلم قرار میگیرد و تسالم را به فضای مجموعه می آورد و روند کبر را کنار میزند یا تضعیف میکند و معلوم شد تجهیز مدیر به جند استسلام واجب است ومدیر مستسلم توان رهبری و لیاقت هدایت را دارا میشود . بخلاف مدیر مستکبر که خود وقوم خود را به نار وارد میکند لقوله تعالی فی عاقبه فرعون :" ***يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ*** "[[2]](#footnote-2)لانه کان عالیا من المسرفین[[3]](#footnote-3) ای مستکبرا مسرفا . اما تسلیم نیز مثل استسلام در صحیحه سماعه بن مهران از جنود عقل شمرده شده است چه فرقی دارند؟ معصوم در جنود عقل اهل تکرار نیست . تسلیم از باب تفعیل است یعنی سلم بخشی و استسلام از باب استفعال است به معنای سلم جویی .و همین منشاء تفاوت مفهومی بین دو جند عقل است سلم جویی را تفقه کردیم در مساله 85وحال نوبت استنباط این موضوع مستنبطه است تسلیم در قرآن و اخبار چندین کار برد دارد کقوله تعالی :" و یسلموا تسلیما"[[4]](#footnote-4) که به معنای سلام کردن بر پیامبر ص یا تمکین به دین او ست که هر دو نوعی سلم بخشی است به ساحت دین ورهبر معصوم آن یعنی از ناحیه من جز سلم وسلامت و مسالمت به دین و رهبری دینی نخواهد رسید[[5]](#footnote-5) و فی قوله ع فی المتظافر :" الاسلام هو التسلیم " [[6]](#footnote-6)یعنی ماهیت دین اسلام تسلیم است ، تمکین مطلق نسبت به تکالیف دین اسلام .و قوله ع:" تسلیما لامرک" یعنی اطاعت محض همه اوامر خدا زیرا مفرد مضاف "امرک" دال بر عموم و از الفاظ آن است . به معنای تبعیت است و اعطاء امنیت خاطر به دین ورهبری دینی از نظر عدم عصیان و تمرد. به معنای امان[[7]](#footnote-7) هم هست.به معنای سلب اختیار از خویش و واگذاری امور کلا به خداوند که خود شرط استجابت دعا هم هست[[8]](#footnote-8) به معنای اطاعت محض از فرامین حق هم بکار رفته است [[9]](#footnote-9) البته تسلیم با معانی مذکوره اگر حقیقی باشد وبه غیر خدا اعتماد نشود موجب سعادت و الا اگر ادعای تسلیم با اعتماد به غیر همراه باشد موجب شقاوت است [[10]](#footnote-10) وباید دانست که تسلیم مثل رضا و تفویض ،یک مقام است که باید مواظبت شود[[11]](#footnote-11) ولی از باب تعرف لاشیاء باضدادها ضد تسلیم را امام ع شک قرار داده است یعنی یک مفهوم شناختی و ادراکی گویا تسلیم به معنای یقین قلبی و ضد آن عدم یقین است که شامل شک هم میشود یعنی عدم علم . در این مفهوم تسلیم به معنای ایقان است شبیه به ایابکم موقن و کقوله تعالی :" بالاخرة هم یوقنون" و فی الماثور :" علی یقین مما اتی به علی محمد ص " در این صورت تسلیم فعل قلب است در عداد علم وایقان و وجدان و..... و طبیعی است که این ایقان موجب اطاعت محض است در ساحت جوارح . امام ع در مصباح الشریعه یقین را سرزمین تسلیم میداند [[12]](#footnote-12) یعنی محل انبات و اثبات تسلیم و در همین منبع تسلیم در مقابل فرمان و حكم و صلاح ديد پروردگار متعال را از آثار یقین می نامد[[13]](#footnote-13) ملاحظه میشود که نوعی در هم تنیدگی بین یقین و تسلیم در استعمالات معصومین وجود دارد که گویا مترادفند. لذا کسی که تردید وشک و جهل و وهم و خلاصه عدم العلم نسبت به حقانیت دین ورهبری دینی یعنی نظام دینی نداشته باشند این بلا ریبی و بی تردیدی را میتوان همان تسلیم نامید که به التزام قلبی به الزامات شرعی و عقلی میتوان تفسیر کرد و خلاف آن ریب و شک است که از جنود جهل است جهل یعنی عدم علم و یقین شامل شک که جنودی را به خود اختصاص داده است یکی از آنها شک است . این شک داتا مذموم نیست مگر این که بعد از علم باشد والا قبل از علم مفتاح علم است و ممدوح می باشد لقوله تعالی :" من بعد علم" و" من بعد ما اوتوه"و " و من بعد ما بیناه فی الکتاب " و "اضله الله علی علم" و.... اینها تردید بعد از علم است و مذموم است و الا شک به عنوان مقدمه پرسمان حقیقت یاب مقدس هم هست باب ورود به علم است . و قوله تعالی :" افی الله شک " هم دال بر تردید در امور بدیهی است مثل وجود باریتعالی لذا مورد استفهام انکاری قرار گرفته که ظاهر در منکر بودن و مذموم بودن چنین شکوکی است که قهرا از جنود جهل هستند حال مقابل چنین شکوکی ،تسلیم قرار میگیرد که یقین و علم است و از جنود عقل زیرا عقل فطری تردیدی در حقانیت توحیدیات ندارد و نیز عقل استدلالی و منطقی هم استنتاج توحید میکند . تسلیم به این معنا لازم التحصیل است لظهورقوله تعالی :" واعلم ان الله عزیز حکیم"[[14]](#footnote-14)و " اعلموا ان الله مع المتقین و....." [[15]](#footnote-15)و قوله :" فسلموا تسلیما" [[16]](#footnote-16) که ظهور دارند در لزوم طلب علم و تسلیم .

 و اما تسلیم در فرهنگ سازمانی چه شانی دارد ؟ مدیران در مقام رهبری حتما باید تلبس به این مبدء داشته باشند یعنی به عقائد دینی و ارزش های ناشی از آن و قوانین ملهم و متخذ از عقائد . ارزشهای حقه یقین داشته باشد و تسلیم قلبی داشته باشد که مبنای محکمی بشود برای هدایات او نسبت به کارکنان و پیروان و در آنها زیرا از آثار تسلیم ،اخلاص و عدم ریا است[[17]](#footnote-17) که تاثیر فوق العاده ای در انگیزش محیط دارد هم چنین علم ویقینی را موجب شود و آنها را هم تسلیم حق کند تا در نتیجه مبنایی برای سعادت داشته باشند و هیچ گونه تردیدی وشکی نسبت به این مبانی و اصول نداشته باشد . با این تسلیم است که عقل مجهز به یک جند محکمی میشود به نام علم لقوله تعالی :" و ما یعقلها الا العالمون" [[18]](#footnote-18) که ظاهر در این است که عالم و موقن باعث تعقل و به کار افتادن صحیح قوه عاقله در نتیجه باعث کارگردانی عقلانی امور میشود و از اقدامات جاهلانه دوری صورت میدهد .

 بنابراین تسلیم و استسلام تغایر مفهومی پیدا میکنند اولی میل به مسالمت در همزیستی مدنی و سازمانی است که یکدیگر را رشد دادن و کبر نورزیدن برهم که عمدتا رفتاری و ارتباطاتی است در هر اجتماع . اما تسلیم به معنای علم ویقین به مبانی و اصول دینی و معرفتی است که البته زیر بنای استسلام رفتاری است . و البته استسلام و تسلیم در مدیر راهور هردو در ایجاد انگیزش مشترکند مدیر معتقد و موقن وبی تردید همگان را تشحیذ در پیمودن راه صحیح میکند و مدیر مستسلم نیز باعث جذابیت فضای زیستی سازمان میشود و اعضاء را وا میدارد که از عضویت خود در این مجموعه ببالند و بالنده شوند.

 و با توجه به لزوم تسلیم قلبی و استسلام رفتاری مدیران موظف میشوند خود و پیروان را به این دوجند عقل مجهز نمایند .(والله العالم)

 فتحصل : مدیران در مقام ادای فریضه رهبری سازمانی باید خود و پیروان را در فرآیند تسلیم و یقین نسبت به عقائد ،ارزش ها و قوانین مطابق با دین اسلام قرار دهند و شک و تردید در این امور را از نفس خود وکارکنان بزدایند .

1. الصافات : 26 بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ

الزمر : 29 ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلاً فيهِ شُرَكاءُ مُتَشاكِسُونَ وَ رَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيانِ مَثَلاً الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ

ق : 34 ادْخُلُوها بِسَلامٍ ذلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ

البقرة : 208 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ

يُسَلِّمُوا تَسْليماً

النساء : 90 إِلاَّ الَّذينَ يَصِلُونَ إِلى‏ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ ميثاقٌ أَوْ جاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقاتِلُوكُمْ أَوْ يُقاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقاتِلُوكُمْ وَ أَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَما جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبيلاً

النساء : 91 سَتَجِدُونَ آخَرينَ يُريدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَ يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّما رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فيها فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَ يُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَ يَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَ اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَ أُولئِكُمْ جَعَلْنا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطاناً مُبيناً

النساء : 94 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ضَرَبْتُمْ في‏ سَبيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقى‏ إِلَيْكُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَياةِ الدُّنْيا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغانِمُ كَثيرَةٌ كَذلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبيراً [↑](#footnote-ref-1)
2. هود : 98 يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ [↑](#footnote-ref-2)
3. الدخان : 31 مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كانَ عالِياً مِنَ الْمُسْرِفينَ [↑](#footnote-ref-3)
4. لنساء : 65 فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا في‏ أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليماً

الأحزاب : 22 وَ لَمَّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إيماناً وَ تَسْليماً

الأحزاب : 56 إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً [↑](#footnote-ref-4)
5. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 73 / قسمت دوم از متن ..... ص : 73

فان أردت ان تضع السلام موضعه و تؤدى معناه: فاتق اللَّه و ليسلم (ليسلم) منك دينك و قلبك و عقلك، لا تدنسها بظلم المعاصى، و لتسلم منك حفظتك، لا تبرمهم و لا تملهم، و توحشهم منك بسوء معاملتك معهم، ثم صديقك ثم عدوك، (مع صديقك ثم مع) فان من لم يسلم منه من هو أقرب اليه فالا بعد اولى، و من لا- يضع السلام مواضعه هذه فلا سلام و لا تسليم‏، و كان كاذبا في سلامه و ان أفشاه في الخلق

 مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 74 / ترجمه ..... ص : 73

و در مرتبه سوم متوجه باش كه: دشمنان و اعداء و مخالفين تو نيز از دست و زبان و سوء اعمال تو سالم و مأمون باشند. و اشخاصى كه أقرباء و نزديكترين افراد آنان از آزار و اذيت ايشان مأمون نباشند، افراد دورتر مسلم است كه مأمون نخواهند بود. و كسى كه در تمام موارد سلام معنى آن را رعايت نكرده، و مقيد به عمل كردن به حقيقت سلام نباشد؛ از اين موضوع استفاده نخواهد كرد، و سلام و تسليم‏ و امنى نسبت به او متحقق نخواهد شد. و چنين آدمى كه رعايت حقيقت سلام را در تمام موارد آن نمى‏كند در سلام گفتن و سلام دادن خود نيز كاذب است، اگر چه مقيد به افشاء سلام و زياد گفتن سلام در ميان خلق باشد [↑](#footnote-ref-5)
6. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 45 / باب نسبة الإسلام ..... ص : 45

1- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع‏ لَأَنْسُبَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَا يَنْسُبُهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يَنْسُبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا بِمِثْلِ ذَلِكَ إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ‏ وَ التَّسْلِيمَ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينَ هُوَ

الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏8 / 11 / كتاب الروضة ..... ص : 2..... فَاجْتَهِدُوا فِي طَاعَةِ اللَّهِ إِنْ سَرَّكُمْ أَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَقّاً حَقّاً وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ‏ وَ قَالَ وَ عَلَيْكُمْ بِطَاعَةِ رَبِّكُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ رَبُّكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ‏ وَ التَّسْلِيمَ هُوَ الْإِسْلَامُ فَمَنْ سَلَّمَ فَقَدْ أَسْلَمَ وَ مَنْ لَمْ يُسَلِّمْ فَلَا إِسْلَامَ لَهُ

الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏8 / 405 / (الحاق رسالة أبي عبد الله عليه السلام إلى أصحابه عن كتاب الوافي) ..... ص : 397و قال: عليكم بطاعة ربّكم ما استطعتم فإنّ اللّه ربّكم و اعلموا أنّ الإسلام هو التّسليم‏ و التّسليم هو الإسلام فمن سلّم فقد أسلم و من لم يسلّم فلا إسلام له و من سرّه أن يبلغ إلى نفسه في الإحسان فليطع اللّه فإنّه من أطاع اللّه فقد أبلغ إلى نفسه في الإحسان.

كافي (ط - دار الحديث) / ج‏3 / 117 / 22 - باب نسبة الإسلام ..... ص : 117قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَأَنْسُبَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسُبْهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يَنْسُبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا بِمِثْلِ ذلِكَ، إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ‏، وَ التَّسْلِيمَ هُوَ الْيَقِينُ، وَ الْيَقِينَ هُوَ التَّصْدِيقُ، وَ التَّصْدِيقَ هُوَ الْإِقْرَارُ، وَ الْإِقْرَارَ هُوَ الْعَمَلُ، وَ الْعَمَلَ هُوَ الْأَدَاءُ، إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَأْخُذْ دِينَهُ عَنْ رَأْيِهِ، وَ لكِنْ أَتَاهُ مِنْ رَبِّهِ، فَأَخَذَهُ؛ إِنَّ الْمُؤْمِنَ يُرى‏ يَقِينُهُ فِي عَمَلِهِ، وَ الْكَافِرَ يُرى‏ إِنْكَارُهُ فِي عَمَلِهِ، فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، مَا عَرَفُوا أَمْرَهُمْ، فَاعْتَبِرُوا إِنْكَارَ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ بِأَعْمَالِهِمُ الْخَبِيثَةِ».

الأمالي( للصدوق) / النص / 351 / المجلس السادس و الخمسون

4- حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ [بْنِ‏] مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع‏ لَأَنْسُبَنَّ الْإِسْلَامَ نِسْبَةً لَمْ يَنْسُبْهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَ لَا يَنْسُبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي الْإِسْلَامُ هُوَ التَّسْلِيمُ‏ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ التَّصْدِيقُ وَ التَّصْدِيقُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ الْأَدَاءُ وَ الْأَدَاءُ هُوَ الْعَمَلُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَذَ دِينَهُ عَنْ رَبِّهِ وَ لَمْ يَأْخُذْهُ عَنْ رَأْيِهِ أَيُّهَا النَّاسُ دِينَكُمْ دِينَكُمْ تَمَسَّكُوا بِهِ لَا يُزِيلُكُمْ أَحَدٌ عَنْهُ لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْحَسَنَةِ فِي غَيْرِهِ لِأَنَّ السَّيِّئَةَ فِيهِ تُغْفَرُ وَ الْحَسَنَةَ فِي غَيْرِهِ لَا تُقْبَلُ. [↑](#footnote-ref-6)
7. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 72 / قسمت اول از متن ..... ص : 72قال الصادق (ع) معنى التسليم‏ في دبر كل صلاة معنى الامان، اى من أتى بأمر (من أدى امر) اللَّه تعالى و سنة نبيه خاضعا له خاشعا فيه (منه) فله الامان من بلاء الدنيا و البراءة من عذاب الآخرة. و السلام اسم من أسماء اللَّه تعالى أودعه خلقه ليستعملوا معناه في المعاملات و الامانات و الالصاقات (و الاضافات) و تصديق مصاحبتهم و مجالستهم فيما بينهم و صحة معاشرتهم. [↑](#footnote-ref-7)
8. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 76 / قسمت اول از متن ..... ص : 76

وَ يَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كانَ الْإِنْسانُ عَجُولًا. و تفكر ما ذا تسأل و كم تسأل و لما ذا تسأل. و الدعا، استجابة الكل منك للحق و تذويب المهجة في مشاهدة الرب و ترك الاختيار جميعا و تسليم‏ الامور كلها ظاهرا و باطنا الى اللَّه تعالى، فان لم تأت بشرط الدعاء فلا تنتظر الاجابة، فإنه يعلم السر و أخفى، فلعلك تدعوه بشى‏ء قد علم من سرك خلاف ذلك. قال بعض الصحابة لبعضهم: أنتم تنتظرون المطر بالدعاء و أنا انتظر الحجر.

 مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 77 / ترجمه ..... ص : 76

و لازمست طرق نجات و هلاكت و راههاى سعادت و گرفتارى خود را فهميده، و در مقام دعاء كردن چيزى را نخواهى كه هلاكت و گرفتارى تو در آن باشد؛ و تو از روى جهالت خير و صلاح خود انديشى. خداوند متعال مى‏فرمايد: و درخواست مى‏كند انسان شر و ضرر را مانند درخواست كردن او خير و صلاح را، و انسان هميشه عجله‏كننده است و خوب متفكر باش كه چه سؤال مى‏كنى، و چه اندازه سؤال مى‏كنى، و براى چه سؤال مى‏كنى! و حقيقت دعاء اينست كه: تمام اعضاء و جوارح با تو موافق و هم آواز شده و همه در مقابل حق تعالى طلب حاجت و درخواست مطلب كنند، و قلب در مشاهده و حضور پروردگار متعال فانى گشته، و تمام اختيار در مقابل عظمت و حكومت او سلب شده، و همه امور خود را در ظاهر و باطن به خداوند متعال تسليم‏ و واگذار كند. اينها شرائط دعاء بود، و اگر اين شرائط را رعايت نكردى منتظر اجابت و قبولى دعاء خود مباش، زيرا خداوند متعال از ظاهر و ضمير تو آگاه است، و ممكن است تو مطلبى را بخواهى كه بر خلاف درخواست و طلب باطنى تو باشد. يكى از اصحاب به ديگرى گفت: شماها در اثر دعاء منتظر باران هستيد، و من منتظر باريدن سنگ هستم. [↑](#footnote-ref-8)
9. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 86 / ترجمه ..... ص : 86

(باب بيست و يكم در حج) حضرت صادق (ع) فرمود: چون خواستى كه حج بجاى آورى قلب خود را پيش از شروع كردن در عمل متوجه پروردگار خود نموده، و آن را از هر گونه مشغول‏كننده و مانع و حاجب بر كنار كن، و جريان امور خود را به خداوند متعال واگذار، و در جميع حركات و سكنات خود و در تمام كارها خداى مهربان را وكيل خود قرار بده، و در مقابل فرمان و حكم و تقدير او مطيع و تسليم‏ باش، و زندگى مادى و خوشى و راحتى دنيوى و توجه مردم را ترك كرده و آماده عيش معنوى و برنامه روحانى باش. [↑](#footnote-ref-9)
10. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 88 / ترجمه ..... ص : 87و ممكن است در صورت توجه و اعتماد تو به چيز ديگر، آن چيز به ضرر تو تمام شده و موجب ناراحتى و گرفتارى تو گردد، زيرا كسى كه دعوى مقام رضا و تسليم‏ و تفويض نموده و با اين حال به چيز ديگرى اعتماد و اتكاء كند؛ خداوند متعال آن را موجب گرفتارى و ناراحتى و ضرر او قرار مى‏دهد تا متوجه باشد كه به جز خدا كسى را قوت و قدرت و تصرفى در امور نباشد، مگر آنكه خدا توفيق و يارى عنايت فرمايد. [↑](#footnote-ref-10)
11. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 123 / ترجمه ..... ص : 122و ببيند كه ارتباط او با خداى خود چه اندازه است، و از مقامات رضا و تسليم‏ و تفويض و صبر و معارف الهى چه مقامى را دارا است. [↑](#footnote-ref-11)
12. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 133 / ترجمه ..... ص : 132

ظهور مى‏كند. و تا كسى از صفت يقين دور و محروم نشده است، به صفت حرص مبتلا نخواهد شد. و يقين سرزمين تسليم‏ است ولى از مراتب آخر ايمان حساب مى‏شود. [↑](#footnote-ref-12)
13. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 133 / شرح ..... ص : 133

حرص توأم با غضب الهى است، و بطورى كه گفته شد، در موردى كه ايمان يقينى نيست حرص جريان پيدا مى‏كند. و در صورتى كه ايمان كسى به مرتبه يقين منتهى شد، از آثار يقين تسليم‏ شدن در مقابل فرمان و حكم و صلاح ديد پروردگار متعال است، و هرگز طمع و حرص در اين مرحله صورت خارجى پيدا نخواهد كرد. [↑](#footnote-ref-13)
14. البقرة : 260 وَ إِذْ قالَ إِبْراهيمُ رَبِّ أَرِني‏ كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتى‏ قالَ أَ وَ لَمْ تُؤْمِنْ قالَ بَلى‏ وَ لكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبي‏ قالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلى‏ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءاً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتينَكَ سَعْياً وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزيزٌ حَكيمٌ

البقرة : 194 الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ

البقرة : 196 وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَريضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كامِلَةٌ ذلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ

البقرة : 203 وَ اذْكُرُوا اللَّهَ في‏ أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ في‏ يَوْمَيْنِ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

البقرة : 223 نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ

البقرة : 231 وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لا تُمْسِكُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لا تَتَّخِذُوا آياتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ ما أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ

البقرة : 233 وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ فَإِنْ أَرادا فِصالاً عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَيْهِما وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلادَكُمْ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ

البقرة : 235 وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّساءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ في‏ أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَ لكِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما في‏ أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَليمٌ

البقرة : 244 وَ قاتِلُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَميعٌ عَليمٌ

البقرة : 267 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّباتِ ما كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لا تَيَمَّمُوا الْخَبيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذيهِ إِلاَّ أَنْ تُغْمِضُوا فيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَميدٌ

المائدة : 98 اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ

إبراهيم : 52 هذا بَلاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنْذَرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ وَ لِيَذَّكَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ

الكهف : 21 وَ كَذلِكَ أَعْثَرْنا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ لا رَيْبَ فيها إِذْ يَتَنازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْياناً رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قالَ الَّذينَ غَلَبُوا عَلى‏ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِداً [↑](#footnote-ref-14)
15. البقرة : 194 الشَّهْرُ الْحَرامُ بِالشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْحُرُماتُ قِصاصٌ فَمَنِ اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدى‏ عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقينَ

البقرة : 196 وَ أَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَ لا تَحْلِقُوا رُؤُسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كانَ مِنْكُمْ مَريضاً أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ ثَلاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كامِلَةٌ ذلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ

البقرة : 203 وَ اذْكُرُوا اللَّهَ في‏ أَيَّامٍ مَعْدُوداتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ في‏ يَوْمَيْنِ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقى‏ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

البقرة : 223 نِساؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنينَ

البقرة : 231 وَ إِذا طَلَّقْتُمُ النِّساءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لا تُمْسِكُوهُنَّ ضِراراً لِتَعْتَدُوا وَ مَنْ يَفْعَلْ ذلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَ لا تَتَّخِذُوا آياتِ اللَّهِ هُزُواً وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ ما أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ‏ءٍ عَليمٌ

البقرة : 233 وَ الْوالِداتُ يُرْضِعْنَ أَوْلادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كامِلَيْنِ لِمَنْ أَرادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلاَّ وُسْعَها لا تُضَارَّ والِدَةٌ بِوَلَدِها وَ لا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَ عَلَى الْوارِثِ مِثْلُ ذلِكَ فَإِنْ أَرادا فِصالاً عَنْ تَراضٍ مِنْهُما وَ تَشاوُرٍ فَلا جُناحَ عَلَيْهِما وَ إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلادَكُمْ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ إِذا سَلَّمْتُمْ ما آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ

البقرة : 235 وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّساءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ في‏ أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَ لكِنْ لا تُواعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَنْ تَقُولُوا قَوْلاً مَعْرُوفاً وَ لا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتابُ أَجَلَهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما في‏ أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَليمٌ

البقرة : 244 وَ قاتِلُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَميعٌ عَليمٌ

البقرة : 267 يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّباتِ ما كَسَبْتُمْ وَ مِمَّا أَخْرَجْنا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ لا تَيَمَّمُوا الْخَبيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَ لَسْتُمْ بِآخِذيهِ إِلاَّ أَنْ تُغْمِضُوا فيهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَميدٌ

المائدة : 98 اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ وَ أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ [↑](#footnote-ref-15)
16. لنساء : 65 فَلا وَ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا في‏ أَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْليماً

الأحزاب : 22 وَ لَمَّا رَأَ الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزابَ قالُوا هذا ما وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ ما زادَهُمْ إِلاَّ إيماناً وَ تَسْليماً

الأحزاب : 56 إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً [↑](#footnote-ref-16)
17. مصباح الشريعة / ترجمه مصطفوى / متن / 194 / شرح ..... ص : 193

هر كه را اسرار حق آموختند\* مهر كردند و دهانش دوختند و اينست حقيقت معنى- نية المؤمن خير من عمله و نية الكافر شر من عمله. زيرا عمل نمونه‏ايست از قلب، و چون ايمان و صفات ايمانى (اخلاص، توكل، رضا، محبت، تفويض، تسليم‏، صفاء) در قلب مؤمن برقرار گرديد؛ تا ممكن است از تظاهر و خود نمايى پرهيز خواهد كرد، به عكس شخص كافر كه تا مى‏تواند تظاهر به خوبى خواهد نمود. [↑](#footnote-ref-17)
18. العنكبوت : 43 وَ تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما يَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ [↑](#footnote-ref-18)